

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.س.)

سال هفدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹، پیاپی ۴۶، صص ۱-۳۱

کنش گفتمانی حضرت ابراهیم(ع) با مخالفان در قرآن کریم بر اساس طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری سرل هدیه تقوی^۱

DOI :10.22051/tqh.2020.26755.2509

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۸

چکیده

بخش مهمی از ابعاد رسالت انبیاء در برخورد با مخاطب مخالف و تلاش در جهت افناع و آگاهی بخشی به آنان در قالب شیوه‌های رفتاری و گفتاری در قرآن بازتاب وسیعی یافته است. حضرت ابراهیم(ع) از جمله پیامبران الهی بود که با شیوه استدلالی، کنش‌های گفتاری متنوعی برای اشاعه گفتمان توحیدی - که به لحاظ صورت و محتوا متفاوت از گفتمان دینی موجود (پرستش عناصر طبیعی و بت پرستی) در منطقه بین‌النهرین بود - و بستر سازی مناسب برای جلب مخاطب مخالف به کار برد. این مقاله با بهره‌گیری از طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری سرل (اظهاری، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی) به نوع‌شناسی کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم(ع) در برخورد با مخالفان بر اساس پاره‌گفتارهای موجود در آیات قرآن

پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد کنش گفتاری اظهاری که در جهت معرفی و شرح گفتمان توحید با هدف اشاعه و تثبیت معنایی آن صورت گرفته بود، از بیشترین و کنش گفتاری اعلامی از کمترین بسامد برخوردار بوده است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل موثر بر اغلبیت کنش گفتاری اظهاری، غلبه و هم‌مونیک شدن گفتمان تعدد خدایان در جامعه بوده که حضرت ابراهیم(ع) سعی داشت با استفاده از آن زمینه مناسب جهت برجسته سازی گفتمان توحید و به حاشیه راندن گفتمان غالب انجام دهد.

واژه های کلیدی: حضرت ابراهیم(ع)، کنش گفتاری، قرآن کریم، سرل، مخالفان توحید.

مقدمه و طرح مسئله

حضرت ابراهیم(ع) در منطقه بین‌النهرین، مهد تمدن‌های اولیه بشری که از غنای فرهنگی و تمدنی بالایی برخوردار بود، به پیامبری منسوب گردید. وابستگی مردم این منطقه به کشاورزی و تأثیر مستقیم عناصر طبیعی بر اقتصاد و معیشت آنان، زمینه مناسب برای تقدس و پرستش عناصر طبیعی فراهم کرده بود. این شرایط در ایجاد نظام فکری و اندیشه‌ای که در قالب گفتمان تعدد خدایان، به گفتمانی غالب و هم‌مونیک تبدیل شده بود، و تحمل گفتمان‌های نوظهور را نداشت، تأثیر داشت. اعلان گفتمان توحیدی توسط حضرت ابراهیم(ع) آن را تبدیل به گفتمان رقیب برای گفتمان غالب کرد که با واکنش منفی قدرت حاکم و طیف وسیعی از مردم مواجه گردید. در چنین شرایطی، حضرت ابراهیم(ع) تلاش نمود با استفاده از کنش‌های گفتاری، زمینه و بستر مناسب جهت معرفی و حتی تثبیت معنایی گفتمان توحید فراهم آورد. آنچه اهمیت دارد بررسی زبان‌شناختی کنش‌های گفتاری ایشان در برخورد با مخالفان بر اساس آیات قرآن است.

با توجه به اینکه بخش مهمی از نظریه‌های زبان‌شناسی متن محور هستند که با معنایی و معناکاوی متن و شرایط تولید آن، امکان واکاوی برخورد و تقابل گفتمان‌ها را تسهیل می‌بخشند، کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم(ع) در آیات قرآن نیز به عنوان واحد زبانی متن شناسایی و بر اساس نظریه سرل به نوع شناسی و دسته‌بندی آنها پرداخته شده است. مقاله پیش‌رو در صدد یافتن پاسخی علمی به این پرسش‌هاست که کدام نوع کنش گفتاری حضرت ابراهیم(ع) در برخورد با مخالفان از بسامد بیشتری برخوردار بوده است؟ زمینه و شرایط برون زبانی تولید کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم(ع) در برخورد با مخالفان چگونه بوده است؟

جهت بررسی پرسش‌های مذکور ابتدا به تشریح مباحث نظری، سپس واکاوی بافت موقعیتی و شرایط تولید متن پرداخته شده است. در واقع جمله‌های زبانی برحسب بافت موقعیتی و اجتماعی مخاطبان، از لحاظ سن، جنس و پایگاه اجتماعی و شرایط محیطی انتخاب شده‌اند. به همین سبب در بحث‌های زبان‌شناختی به همان اندازه که دلالت‌های درون زبانی^۱ (کنش‌های گفتاری بخشی از آن است) مهم‌اند، دلالت‌های برون زبانی^۲ (بافت موقعیتی و شرایط محیطی تولید متن از مهم‌ترین آنهاست) نیز حائز اهمیت‌اند (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۵۹).

۱. کنش گفتاری

نخستین بار آستین از فیلسوفان مکتب فرانکفورت با به کارگیری نظریه کارگفت^۳ (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵) قائل به وجود پاره‌گفتارهای بیانی در زبان شد و سه کنش گفتاری را معرفی نمود. کارگفت گوینده یا کنش بیانی^۴ که گوینده معنای خاصی از

۱. دلالت درون زبانی رابطه میان صورت هر واحد واژگانی با مفهومی است که در آن وجود دارد.

۲. رابطه میان هر صورت و هر واحد واژگانی با مصداقی که در جهان خارج است.

۳. Speech of Theory

۴. locutionary Act

به کارگیری واژه‌ها مدنظر دارد (پهلوان نژاد و اصطهباناتی، ۱۳۸۷، ص ۴). کنش غیربیانی^۵ که با اثرگذاری بر مخاطب بار معنایی خاصی از واژه‌ها افاده می‌شود (پهلوان نژاد و اصطهباناتی، ۱۳۸۷، ص ۴).

کنش پس بیانی^۶ که واکنش مخاطب در برابر پاره گفتار را نشان می‌دهد (Acheoah, 2017, p. 1). تمامی کنش‌های مذکور باید در بافت موقعیتی و شرایط تولید آن مورد ارزیابی قرار گیرند (پهلوان نژاد و اصطهباناتی، ۱۳۸۷، ص ۴؛ صفوی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۷؛ صفوی، ۱۳۸۳، صص ۱۷۵-۱۷۶).

جملات کنشی از دیدگاه آستین متضمن قصد یا انجام عمل بوده و از جملاتی که توصیف کننده وضعیت یا حالتی هستند، قابل انفکاک است. به علاوه چنین جملاتی با شرایطی که جمله (به عنوان واحد متن) در آن تولید شده، مطابقت دارند (آقا گل زاده، ۱۳۸۵، صص ۲۶ و ۲۷) و با افعالی که انجام دادن عملی خاص را نشان می‌دهند — همانند قول دادن و بیان کردن و گفتن، اخطار کردن، شرط بستن، متقاعد کردن، متعجب کردن، گمراه کردن و... — همراه است (همان، صص ۳۰-۲۹).

دیدگاه آستین الگوی مناسب برای پژوهش‌های سرل شد و با نقد کنش بیانی و غیربیانی او اذعان نمود زبان و افعال جز واقعیت‌های اجتماعی هستند و زبان بدون بررسی ذهن ناقص است. وی کنش پاره گفتار^۷ و کنش گزاره‌ای^۸ را به جای کنش بیانی مطرح و در تعریف آنها کنش پاره گفتار را کنشی دانست که معنای آن کامل نیست و با کنش گزاره‌ای کامل می‌شود. وی همچنین معتقد شد که همه کنش‌های پاره گفتار می‌توانند کنش گزاره‌ای که دارای دو بخش ارجاعی و پیش‌بینی است را تولید کنند (Searle, 1969, p. 61; Searle, 1969, p 424).

^۵. Illocutionary act

^۶. perlocutionary act

^۷. Utterance act

^۸. Propositional act

کنش ارجاعی که سرل آن را کنش کامل دانسته، کنشی است که برای مشخص کردن یک واقعه، عمل و فرایند به کار می‌رود (پهلوان نژاد و اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۸) و بر اساس آن طبقه‌بندی از پاره‌گفتارها^۹ به شرح زیر صورت گرفته است.

- ۱- اظهاری^{۱۰} بیانگر تعهد گوینده به صدق گزاره است.
- ۲- ترغیبی^{۱۱} مخاطب را به انجام دادن عملی ترغیب می‌کند.
- ۳- تعهدی^{۱۲} بیانگر تعهد گوینده به انجام دادن کاری است.
- ۴- عاطفی^{۱۳} نشان‌دهنده احساس گوینده در برابر وقوع رویداد است.
- ۵- اعلامی^{۱۴} که گوینده شرایط جدیدی را به مخاطب اعلام می‌کند (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۸، صفوی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۷).

هر کدام از پاره‌گفتارهای مذکور افعالی دارند که بر اساس آنها تحدید و تحصیر هر نوع از نوع دیگر مشخص و معین می‌گردد. برای جلوگیری از اطاله بحث در جدول زیر افعال مرتبط به هر پاره‌گفتار معرفی می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ^۹. utterance
- ^{۱۰}. representative
- ^{۱۱}. directive
- ^{۱۲}. commissive
- ^{۱۳}. expressive
- ^{۱۴}. declarative

جدول ۱: افعال تحدید و تحصیر کننده کنش‌های گفتاری سرل^{۱۵}

پاره‌گفتارها	افعال
پاره‌گفتار اظهاری	آغاز کردن، اثبات کردن، ابراز کردن، ادعا کردن، اظهار کردن، اعتراض کردن، اعطاء کردن، اعلان کردن، التماس کردن، بیان کردن، پاسخ دادن، تأیید کردن، تصحیح کردن، تغییر فعالیت دادن، تفسیر کردن، تکذیب کردن، توصیف کردن، دسته‌بندی کردن، دفاع کردن، دلیل آوردن، رها کردن، شرح دادن، گزارش دادن، محدود کردن، مطمئن بودن، معرفی کردن، نسبت دادن، نفی کردن، نقد کردن.
پاره‌گفتار ترغیبی	اجازه دادن، اخطار دادن، اصرار و پافشاری کردن، اعلان نیاز کردن، التماس و تمنا کردن، القا کردن، بازخواست کردن، بایستن و لازم بودن، به مبارزه طلبیدن، بی‌توجهی کردن، پند و اندرز دادن، پیشنهاد کردن، تجویز کردن، تقاضا کردن، تکرار کردن، توانستن، توصیه کردن، توضیح خواستن، درخواست اثبات کردن، درخواست اطلاعات کردن، درخواست کردن، دستور دادن، دعوت کردن، دوباره راه انداختن، سؤال کردن، شرط کردن، گدایی کردن، معذرت خواهی کردن، هشدار دادن، نصیحت کردن.
پاره‌گفتار هدی	بیان موافقت کردن، تعهد دادن، تقدیم کردن، داوطلب شدن، ضمانت کردن، قسم خوردن، قول دادن، متعهد شدن
پاره‌گفتار عاطفی	اظهار همدردی کردن، اهانت کردن، بیان کردن، آرزو کردن، پیش‌بینی کردن، تأمل کردن، تبریک گفتن، تردید داشتن، تسلیم شدن، تشکر کردن، تعجب کردن، تمجید کردن، تهدید کردن، خشمگین شدن، خشنود شدن، دست انداختن، دشنام دادن، سلام کردن و احترام گذاشتن، شکایت کردن، شوخی کردن، عصبانی شدن، فرضیه داشتن، متضمن چیزی بودن، مسخره کردن، معذرت خواستن، ناامید و دلسرد شدن، ناسپاسی کردن.
پاره‌گفتار اعلامی	آغاز کردن کار، از کار برکنار کردن، اعلام کردن، انتصاب کردن، به کار گماردن، پایان دادن کار، عقد قرارداد کردن، نام‌گذاری کردن

^{۱۵}. افعال مورد نظر از مقاله «بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های روسای جمهور ایران و آمریکا شهریور ۱۳۸۵ سازمان ملل» گرفته شده است (ر.ک: پهلوان نژاد و اصطهباناتی، ۱۳۸۷، صص ۱-۲۲).

هر کدام از پاره گفتارهای مذکور در بافت موقعیتی^{۱۶} خاصی که ارتباط متن با خارج از آن را مورد توجه قرار داده و یکی از حیاتی‌ترین عوامل حاکم بر تحلیل گفتمان است، تولید شده است (صفوی، ۱۳۸۳، صص ۱۷۳ و ۱۶۶). مالینوفسکی با اهمیت دانستن این بخش از تحلیل زبانی معتقد است معنی هر گفتار تنها در بافت موقعیت آن مشخص می‌شود (آقا گل زاده، ۱۳۸۵، ص ۲۲). علاوه بر وی، فرث نیز اذعان داشته که معنای عبارت یا جمله، معنای تک تک کلمات آن نیست، بلکه نقشی است که آن گفته یا جمله در موقعیتی خاص ایفا می‌کند (همان). بنابراین بافت موقعیتی شرایطی را پدید می‌آورد که مفهوم یک جمله جدا از معنی صریح خود معنایی مفهومی پیدا کند که در بافت آن قابل درک است (صفوی، ۱۳۸۳، صص ۱۷۱-۱۷۲)

با بهره‌گیری از پاره گفتارهای سرل و افعال مرتبط با آنها، به شناسایی و تحلیل بیرونی (بافت موقعیتی) و درونی (محتوا) پاره گفتارهای حضرت ابراهیم (ع) در برابر مخالفان در متن آیات پرداخته می‌شود.

پیشینه مقاله پیش رو لازم است در دو بعد تاریخی و زبان‌شناختی مورد توجه قرار گیرد. در بعد تاریخی و در مورد نحوه برخورد حضرت ابراهیم (ع) با مخالفان در قرآن آثار محدودی وجود دارد. از جمله «شیوه استدلال و نحوه برخورد حضرت ابراهیم (ع) با مشرکان و بت پرستان با استناد به آیات قرآن» که در آن با شناسایی آیات مربوطه بدون استفاده از رویکرد روشی به نحوه برخورد حضرت ابراهیم (ع) با مخالفان پرداخته است (یاری، ۱۳۸۳، شماره ۵، صص ۳۵-۵۲). «واکنش‌های متقابل در مقابل دعوت حضرت ابراهیم» به برخورد مخالفان و واکنش آنان در برابر دعوت حضرت ابراهیم (ع) نیز مقاله‌ای دیگر در این مورد است (سید رضا، ۱۳۸۱، ص ۵۷)

^{۱۶}. context to situation

بخش مهمی از پیشینه این مقاله به آثاری که با استفاده از نظریه سرل به کنش‌های گفتاری پرداخته‌اند، اختصاص دارد. «تحلیل متن نامه‌ای از تاریخ بیهقی با رویکرد معنی‌شناسی کاربردی» (پهلوان نژاد و اصطهباناتی، ۱۳۸۷، صص ۱-۲۴).

مقالات دیگر «بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های روسای جمهور ایران و آمریکا شهریور ۱۳۸۵ سازمان ملل» (پهلوان نژاد و اصطهباناتی، ۱۳۸۷، صص ۱-۲۲)، «تحلیل متن شناسی زیارت‌نامه امام رضا(ع) بر پایه نظریه کنش گفتار» که به بسامد سنجی کنش‌های گفتاری میان گوینده و مخاطب متن پرداخته (رجب زاده و دیگران، ۱۳۸۹، شماره ۴۳، صص ۱۲۱-۱۴۰) و «بازتاب شرایط اجتماعی در تحلیل کنش‌های گفتاری تفسیر عرفانی کشف الاسرار» که با بهره‌گیری از کنش‌های گفتاری سرل به شناسایی گزاره‌های گفتاری و طبقه‌بندی آنها در کتاب تفسیری کشف الاسرار پرداخته است (جبری و جعفری، ۱۳۹۵، صص ۷۱-۹۳).

کتاب «کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و طبقه اجتماعی در گرشاب‌نامه» با سنجش کنش‌های گفتاری گرشاب‌نامه معتقد به نابرابری جنسیتی در آن شده است (جلالی و صادقی، ۱۳۹۵، صص ۸۱-۱۰۵)، «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری» که نویسنده با استخراج پاره‌گفتارهای موجود در این خطبه و با استفاده از شاخص‌های موجود در نظریه کنش گفتاری سرل به طبقه‌بندی آن پرداخته است (فضائلی و نگارش، ۱۳۹۰، صص ۸۱-۱۱۸)، «نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن» که با استخراج گزاره‌های دینی به تحلیل آنها بر اساس نظریه جان آستین مبادرت ورزیده شده (ساجدی، ۱۳۹۰، صص ۱۲۲-۱۳۰) و «مبانی تحلیلی کارگفتی در قرآن کریم» که از روش معناکاوی و کنش گفتاری استفاده کرده (صانعی پور، ۱۳۹۰) از جمله آثاری هستند که با رویکرد زبان‌شناختی و استفاده از نظریه‌های کنشی به تحلیل متن پرداخته‌اند. مقاله پیش‌رو با استفاده از الگوی روشی آثار مذکور به بررسی بافت درونی و بیرونی آیات مرتبط با کنش‌های گفتاری‌ها حضرت ابراهیم(ع) در برخورد با مخالفان می‌پردازد.

۲. بافت‌شناسی گفتار حضرت ابراهیم (ع) در برابر مخالفان

در تولید هر گفتاری که به متن تبدیل می‌شود، چند عنصر اساسی نقش دارند؛ گوینده متن، شرایط محیطی و بیرونی و مخاطب که گفته و متن برای تأثیر گذاری بر او تولید می‌شود. این عناصر بیشتر به عنوان عناصر بیرونی و در بافت موقعیتی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بخش دیگر به تحلیل درون متنی یا به عبارتی تحلیل محتوایی اختصاص دارد، که در آن معناکاوای واژگانی، ارتباط معنایی واژه‌ها در جمله و... اهمیت می‌یابد. جهت بررسی کنش‌های گفتارهای حضرت ابراهیم (ع) در برخورد با مخالفان ابتدا تحلیل بیرونی و بافت‌شناسی گفتار و سپس تحلیل محتوایی و درونی آنها انجام می‌شود.

حضرت ابراهیم (ع) در منطقه بین‌النهرین که «برستد»^{۱۷} آن را هلال خصیب نامید (سارتون، ۱۳۴۶، ص ۵۹) نامیده در شهر اور از شهرهای نامی تمدن سومر که در جنوب عراق کنونی و برخی نیز آن را بصره کنونی دانسته‌اند (طبری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷۲؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۵۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۳۵۳؛ مجهول المؤلف، مجمل التواریخ و القصص، بی‌تا، ص ۴۸۶)، به پیامبری رسید.

بین‌النهرین با برخورداری از رودهای دجله و فرات، آب فراوان، زمین‌های مستعد کشت، از شرایط مناسب برای کشت و زرع برخوردار بود و معیشت مردمان این منطقه را تأمین می‌کرد. با توجه به دخالت و تأثیر مستقیم عناصر طبیعی بر زندگی مردم، به تدریج این عناصر تقدس یافته و در تمدن‌های اولیه از جمله بین‌النهرین مورد پرستش قرار گرفتند (جان ناس، ۱۳۵۴، ص ۱۶؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۶۴). شرایط زیست محیطی تأثیر اساسی بر رشد تمدن و فرهنگ این منطقه گذاشت و سبب پیدایش تمدن‌های درخشانی همچون سومر و بابل شد.

حضرت ابراهیم (ع) در دوره زمانی گذار از تمدن سومر (هزاره چهارم و سوم ق.م) به تمدن بابل در هزاره دوم قبل از میلاد (۱۵۵۰ ق.م) (مشکور، ۱۳۷۷، ص ۱۱۷؛ طباطبایی، بی‌تا، ج ۷، صص ۱۶۶-۱۶۷) به تبلیغ و ابلاغ رسالت پرداخت. مسعودی نیز فاصله زمانی

^{۱۷}. Breasted

رسالت حضرت ابراهیم(ع) تا پادشاهی اسکندر را هزار و هشتصد و پنجاه و سه سال دانسته است (مسعودی، بی تا، ص ۱۷۹). این دوره به لحاظ زمانی هم‌زمان با دوره تمدن بابل (هزاره دوم و اول ق.م) در بین‌النهرین بود.

در دوره زمانی مورد نظر، بین‌النهرین از ابعاد مختلف فکری، علمی، شهرسازی، مدنیت و... رشد شگفت‌انگیزی داشت و با تمدن‌های هم‌زمان خود همچون مصر برابری می‌کرد. آثار برجای مانده از تمدن سومر تا بابل دوره درخشانی از پیشرفت‌های فکری، علمی و تمدنی در منطقه بین‌النهرین را نشان می‌دهد (سارتون، ۱۳۴۶، ص ۶۱)، که از مهم‌ترین آنها می‌توان به اختراع خط — که یکی از عجیب‌ترین اکتشافات عصر خود یعنی فن نوشتن بود — (گیرشمن، ۱۳۸۰، ص ۲۵)، نظام آموزشی، بایگانی و ثبت و ضبط اسناد، رشد علمی در ریاضیات، نجوم، داروهای گیاهی (سارتون، ۱۳۴۶، ص ۶۷)، ایجاد اجتماعات و تدبیر مدن و... (گیرشمن، ۱۳۸۰، ص ۲۶) اشاره کرد. مسلماً وجود چنین شرایطی الزام می‌گیرد که حضرت ابراهیم(ع) از کنش‌های گفتاری برای اشاعه گفتمان توحیدی و برخورد با مخالفان استفاده کند که بیشترین تأثیر و بازدهی را داشته باشد.

مسئله‌ی دیگری که اهمیت دارد، جایگاه شاهان و حاکمان در منطقه بین‌النهرین است که منزلت و شأنیتی خداگونه به آنان داده شده بود. مسلماً چنین حاکمانی در مقابل گفتمان‌های نوظهور و رقیب که تهدیدی جدی برای جایگاه آنان محسوب می‌شد، واکنش منفی نشان می‌دادند. گفته شده دوره رسالت حضرت ابراهیم(ع) هم‌زمان با پادشاهی فردی به نام نمرود بوده که شخصیت تاریخی با توجه به حاشیه‌سازی‌ها و افسانه‌هایی که در مورد او گفته شده، در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. برخی از مورخان نمرود را از نوادگان حضرت نوح دانسته و شجره نسب او را «نمرود بن کنعان بن کوش بن حام بن نوح» بیان کرده‌اند (مقدسی، بی تا، ج ۳، صص ۴۵-۴۶). برخی نیز وی را از فرزندان جمشید شاه و پسر عموی آزر بن تارح، پدر حضرت ابراهیم(ع) قلمداد کرده‌اند (دینوری، ۱۳۶۸، ص ۸). مقدسی در روایتی دیگر وی را ضحاک آخرین پادشاه سلسله ماد دانسته (مقدسی، بی تا، ج ۳، صص ۴۵-۴۶؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷۲)، اما با توجه به زمان پیامبری

حضرت ابراهیم (ع) که در هزاره دوم ق.م بوده، نمرود نمی‌تواند ضحاک آخرین پادشاه ماد باشد.

دینوری نیز وی را فریدون پیشیدادی دانسته که در اواخر دوران حکومت خود سرکشی را آغاز کرده بود (دینوری، ۱۳۶۸، ص ۹). علاوه بر اختلاف نظر تاریخی در مورد شخصیت نمرود، افسانه‌ها و قصه‌های فراوانی نیز در منابع تاریخی در مورد وی آمده که بیش از پیش شخصیت واقعی و تاریخی او را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است (مقدسی، بی تا، ج ۳، صص ۴۵-۴۶؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷۲؛ یعقوبی، بی تا، ج ۱، صص ۲۴-۳۱؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۲، صص ۳۷-۳۸). همچنین در برخی منابع نام وی در کنار نام بخت النصر، پادشاه بابل به عنوان تنها پادشاهانی که در سراسر زمین فرمانروایی داشته‌اند، آمده است (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۴۸؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷۲). در قرآن نیز هر چند که رسالت حضرت ابراهیم (ع) بازتاب و سیعی یافته است، اما اسمی از نمرود برده نشده و تنها در سوره بقره و انبیاء به کوشش وی برای رواج بت پرستی اشاره شده است.

با توجه به چنین موقعیتی و به تناسب شرایط حاکم بر جامعه، حضرت ابراهیم (ع) تلاش نمود با استفاده از کنش گفتاری مناسب و شیوه استدلالی قوه عاقله مخاطبان را به تفکر وادارد. با شناسایی و نوع شناسی این کنش‌ها بر اساس نظریه سرل مشخص می‌شود که بیشترین بسامد در کدام نوع کنش گفتاری ایشان بوده است.

۳. نوع شناسی پاره‌گفتارهای کنشی حضرت ابراهیم (ع) در برابر مخالفان در قرآن

هر چند که آیات مربوط به حضرت ابراهیم (ع) و به ویژه برخورد ایشان با مخالفان در قرآن بازتاب و سیعی یافته است، اما در مقاله حاضر صرفاً آن بخش از آیات که در بردارنده کنش گفتاری (بیانگر عمل و قصد) و نه رفتار حضرت ابراهیم (ع) با مخالفان است، مورد توجه گرفته و نوع شناسی و بسامد سنجی آنها انجام شده است.

قرآن در سوره‌ها و آیات متعدد به نقل خبرهایی از حضرت ابراهیم(ع) پرداخته است. سوره‌های بقره، آل عمران، نساء، انعام، هود، ابراهیم، نحل، مریم، انبیاء، حج، شعراء، احزاب، صافات، ص، شوری، زخرف، نجم، حدید، ممتحنه و اعلی از جمله سوره‌های هستند که اخبار مربوط به حضرت ابراهیم(ع) در آنها آمده است. از میان آنها، سوره‌های بقره، انبیاء، شعراء، صافات، زخرف دارای بیشترین کنش گفتاری حضرت ابراهیم(ع) در برخورد با مخالفان است. به همین سبب، این سوره‌ها مبنای مطالعه و بسامد سنجی قرار می‌گیرند. برای جلوگیری از اطاله بحث در جداول زیر پاره‌گفتارها و نوع کنش گفتاری برحسب تفکیک سوره‌های مذکور معرفی شده‌اند.

جدول ۲: پاره‌گفتارها و کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم(ع) در برخورد با مخالفان بر اساس سوره صافات

کنش‌های گفتاری	پاره‌گفتارهای
(سؤال کردن) ترغیبی	مَاذَا تَعْبُدُونَ (۸۵)
(سؤال کردن، نفی کردن) ترغیبی - اظهاری	إِن كَأَ أَلِهَةٌ دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ (۸۶)
(سؤال کردن) ترغیبی	فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۸۷)
(ادعا کردن، اعلان کردن) اظهاری	فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ (۸۹)
(سؤال جهت تمسخره کردن) عاطفی	فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (۹۱)
(سؤال جهت تمسخر کردن) عاطفی	مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ (۹۲)
(اعتراض کردن - سؤال کردن) اظهاری - ترغیبی	قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْجِتُونَ (۹۵)
(شرح دادن) اظهاری	وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ وَ مَا تَعْمَلُونَ (۹۶)
(اظهار کردن) اظهاری	وَ قَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي (۹۹)
(اظهار کردن) اظهاری - ترغیبی	سَيَهْدِينِ (۹۹)

نوع کنش‌ها در جدول نشان می‌دهد که بیشترین کنش‌ها گفتاری، اظهاری و سپس ترغیبی بوده است. هر چند که حضرت ابراهیم (ع) کنش گفتاری خود را با ذکر سوالاتی که جواب آنها می‌داند، شروع کرده، اما در پس این سوالات، انگیزه و هدفی برای به فکر واداشتن و به تحریک در آوردن قوه عاقله مخاطب نهفته است. به عبارتی گفتگوی جدلی با ارائه استدلال‌های عقلی میان ایشان و مخالفان صورت گرفته است. مهم‌ترین واژه‌هایی که در این گفتگوی به ظاهر ساده، اما پر معنا نیازمند معنایی و معناکاوای هستند را می‌توان در رابطه معنایی که برخی واژه‌ها در پاره گفتارها با هم دارند، شناسایی و تحلیل نمود.

در این پاره گفتارها از یک طرف رابطه معنایی میان واژه‌های «تَعْبُدُونَ»، «أَلِهَةٌ»، «دُونَ اللَّهِ»، «تَأْكُلُونَ»، «تَنْطِفُونَ» و «تَنْجِتُونَ» وجود دارد و از طرف دیگر ارتباط معنایی معناداری میان واژه‌های «اللَّهِ»، «خَلَقَكُمْ»، «سَيِّدِينَ» صورت گرفته است. در طیف نخست برای بیان ویژگی الهه که نماینده گفتمان تعدد خدایان است از واژه‌های «تَأْكُلُونَ»، «تَنْطِفُونَ» و «تَنْجِتُونَ» جهت بی اعتبار کردن و ناتوانی گفتمان مذکور و به عبارتی طرد کردن و به حاشیه راندن آن استفاده شده است. هر چند واژه «تَأْكُلُونَ» و «تَنْطِفُونَ» بر بیان ویژگی‌های یک موجود زنده حکایت دارند، اما در جهت زیر سؤال بردن خدایانی که از ویژگی حیات و حضور محرومند، به کار رفته است.

واژه «تَنْجِتُونَ» نه تنها ناتوانی خدایان در خالقیت که مهم‌ترین ویژگی خدای گفتمان توحیدی است را بیان داشته، بلکه مخلوق و ابرازی بودن آن را نیز مورد تاکید قرار داده است. این واژه از ریشه نَحَت به معنای تراشیدن، (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۹۰۳؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۲، ص ۵۵)، نجاری کردن (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۹۷) چوب را تراش دادن (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۴۶) آمده است. در واقع واژه «تَنْجِتُونَ» جدال گفتمانی میان ضعف خدایان و قدرت خدای یکتا در خالقیت را نمایندگی می‌کند و می‌توان آن را مهم‌ترین وجه ممیزه و تفاوت گفتمانی حضرت ابراهیم (ع) با مخالفان دانست.

در طیف دیگر کنش‌های گفتاری که بیشتر در قالب کنش گفتاری اظهاری نشان داده شده، حضرت ابراهیم (ع) به معرفی خدای یکتا پرداخته است. ایشان مهم‌ترین ویژگی

خدای یگانه را در واژه‌های «خَلَقْتُمْ» و «سَيِّهْدِين» که بیانگر خالقیت و هدایت‌گری اوست، برجسته کرده است. در این کنش‌های گفتاری تلاش در جهت برجسته کردن نقاط ضعف گفتمان مخالف و برجسته کردن نقاط قوت گفتمان خودی توسط حضرت ابراهیم(ع) با استفاده از واژه‌های معنادار که در کنار هم نظام معنایی ایجاد کرده‌اند، صورت گرفته است. زیرا واژه «سَيِّهْدِين» علاوه بر اینکه در معانی چون هدایت‌گری خداوند به سمت مکانی امن (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۷۰۴) و نجات از کید دشمن (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۳، ص ۴۸) آمده، در معنای درونی آن نیز نوعی ترغیب مخاطب و برانگیختن وی در جهت گرایش به خدای یکتا نیز وجود دارد.

جدول ۳: پاره‌گفتارها و کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم(ع) در برخورد با مخالفان بر اساس سوره انعام

کنش‌های گفتاری	پاره‌گفتارهای
(سؤال کردن) اظهاری	أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً (۷۴)
(هشدار دادن) ترغیبی	إِنِّي أُرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۷۴)
(معرفی کردن) اظهاری	فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ (۷۶)
(نفی کردن) اظهاری	قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفَلِينَ (۷۶)
(معرفی کردن) اظهاری	فَلَمَّا رَأَىٰ الْقَمَرَ بَارِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي (۷۷)
(نفی کردن) اظهاری	قَالَ لَيْتَنَّمْ يَهْدِينِي رَبِّي لِأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ (۷۷)
(معرفی کردن) اظهاری	فَلَمَّا رَأَىٰ الشَّمْسَ بَارِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي (۷۸)
(شرح دادن) اظهاری	هَذَا أَكْبَرُ (۷۸)
(اثبات کردن) اظهاری	فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (۷۸)

قال أَمْحُجُّوَنِي فِي اللَّهِ (۸۰)	(سؤال کردن همراه با هشدار) ترغیبی
وَ قَدْ هَدَانِ (۸۰)	(شرح دادن) اظهاری
وَ لَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا (۸۰)	(اظهار کردن) اظهاری
وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا (۸۰)	(شرح دادن) اظهاری
أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (۸۰)	(سؤال همراه با هشدار دادن) ترغیبی
وَ كَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ (۸۱)	(سؤال همراه با اعتراض کردن) اظهاری
وَ لَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا (۸۱)	(توضیح خواستن) ترغیبی
فَأَيُّ الْقَرِيفِينَ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ (۸۱)	(توضیح خواستن) ترغیبی
إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۱)	(توضیح خواستن) ترغیبی

در پاره گفتار اول و دوم سوره انعام علاوه بر اینکه واژه اصنام در مورد خدایان به کار برده شده، مهم‌ترین ویژگی تبعیت و پیروی از آنها را نیز در واژه «ضلال» بیان کرده است. ضلال به معنای گمراهی، در ضدیت با هدایت و ارشاد به کار رفته است (صعیدی و حسین یوسف، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۲۸؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۷، ص ۳۹). در اینجا واژه اصنام با ضلال ارتباط معنایی به هم پیوسته‌ای پیدا کرده و حضرت ابراهیم (ع) با این پاره گفتارها در صدد ترغیب و برانگیختن پدر و قومش برای دوری گزیدن از بتان برآمده است.

پاره گفتارهای بعدی چالش جدی میان گفتمان توحید و گفتمان غالب و هژمونی شده تعدد خدایان در منطقه بین‌النهرین را نشان می‌دهند. حضرت ابراهیم (ع) با استفاده از پاره گفتارهای اظهاری با تظاهر به پرستش عناصر طبیعی که به صراحت از آنها به عنوان شرک نام برده، ذهن مخاطب را به چالش گرفته تا به کنه ضعف و ناتوانی خدایان پی ببرد.

علاوه بر آن مقدمه چینی برای آماده کردن بستر و زمینه مناسب جهت عرضه گفتمان توحیدی نیز صورت گرفته است.

بخش دیگر از پاره گفتارها به صورت ترغیبی است که با هشدار، اعتراض و اخطار دادن به مخالفان همراه است. این پاره گفتارها جنبه دو وجهی تشویق و تنبیه دارند که در آیات ۸۰ و ۸۱ سوره انعام به کار رفته‌اند. جنبه ترغیب و تشویق مخاطب مخالف جهت گرایش به سمت گفتمان توحید را می‌توان در پاره گفتار «وَقَدْ هَدَانَا» که هدایت‌گری خداوند (رازی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۳۵۸)، بصیرت به حق (طبری، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۱۶۵)، هدایت به سمت توحید (قمی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۳۷۷)، و پاره گفتار «وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا» که احاطه و تسلط خداوند بر امور (همان) را بیان می‌کند، مشاهده نمود.

جنبه‌های تبلیغی حضرت ابراهیم(ع) برای جذب و جلب مخاطب با آگاهی بخشی، غفلت زدایی، ترغیب مخاطب به کسب اطلاع بیشتر و از همه مهمتر به تفکر واداشتن وی همراه است.

جدول ۴: پاره گفتارها و کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم(ع) در برخورد با مخالفان بر اساس سوره عنکبوت

کنش‌های گفتاری	پاره گفتارهای
(پیشنهاد کردن) ترغیبی	إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ (۱۶)
(پیشنهاد دادن) ترغیبی	وَ اتَّقُوهُ (۱۶)
(اعلان کردن) اظهاری	ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ (۱۶)
(اعلان کردن) اظهاری	إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۶)
(نقد کردن) اظهاری	إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا (۱۷)
(نقد کردن) اظهاری	وَ تَخْلُقُونَ إِفْكًا (۱۷)
(نقد کردن همراه با پند و اندرز دادن) اظهاری - ترغیبی	إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا (۱۷)
(پیشنهاد کردن و راهنمایی کردن) ترغیبی	فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ (۱۷)

و اعْبُدُوهُ (۱۷)	(پیشنهاد کردن و راهنمایی کردن) ترغیبی
وَ اشْكُرُوا لَهُ (۱۷)	(پیشنهاد کردن و راهنمایی کردن) ترغیبی
إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۱۷)	(اعلان کردن) اظهاری
وَ إِنْ تَكْذَبُوا (۱۸)	(اخطار دادن) ترغیبی
فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ (۱۸)	(تفسیر کردن) اظهاری
وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۸)	(اعلان و ابراز کردن) اظهاری
قَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (۲۵)	(اعلان کردن) اظهاری
ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ (۲۵)	(اعلان کردن و اخطار دادن) اظهاری - ترغیبی
وَ يَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا (۲۵)	(اعلان دادن) اظهاری
وَ مَا أَوَّكُنَا النَّارُ (۲۵)	(اعلان کردن) اظهاری
وَ مَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۲۵)	(اعلان و هشدار دادن) اظهاری - ترغیبی

در این پاره گفتارها الله تبدیل به کلمه کانونی و مرکزی شده که در ارتباط با آن واژه‌های «اعْبُدُوا»، «بندگی کردن»، «اتَّقَوْهُ» (تقوا پیشه کردن) به صورت پاره گفتارهای ترغیبی در قالب توصیه و پیشنهاد آمده است. این کلمات در ارتباط با «الله» دستگاه معنایی ساخته‌اند که بندگی و تقوا را به عنوان شاخصه بارز گفتمان توحیدی مطرح کرده‌اند.

در بخش دوم پاره گفتارهای اظهاری با واژه‌های «دُونِ اللَّهِ»، «أَوْثَانًا» و «إِفْكَأ» به طرد و حاشیه رانی گفتمان تعدد خدایان پرداخته است. سپس در پاره گفتار بعدی که با نقادی، پند و اندرز و آگاهی بخشی همراه است، چنین خدایانی را فاقد هر گونه توانایی در رزق و روزی بخشیدن به انسان که شرط مهم حیات اوست، دانسته است. پاره گفتارهای بعدی

بیشتر رویکرد ترغیبی دارد و با توصیه، پیشنهاد، و راهنمایی کردن به قصد هدایت گری آمده است.

در آیه ۱۷ سوره عنکبوت یکی از مهم ترین پاره گفتارها «لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا» در مورد بتان آمده است. این پاره گفتار که به صورت اظهاری - ترغیبی عدم قدرت و مالکیت خدایان بر روزی رساندن به انسان را مطرح (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۷۳) و در مقابل، خداوند یکتا را روز ر سان دانسته است. کلمه «فَأَبْتَعُوا» جنبه ترغیبی و تشویق و طلب دارد (محلّی و سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۰۱) و «الرِّزْقُ» در این آیه از اهمیت معنایی بالایی برخوردار است. رزق اول عدم توانایی بتان را می رساند و رزق دوم مالکیت و قدرت خداوند بر روزی دادن به انسان (قمی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۱۳۲؛ گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۰۳؛ محلّی و سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۰۱) که عامل مهم حیات اوست، را بیان داشته است.

در این پاره گفتارها رویکرد نقادانه حضرت ابراهیم(ع) نسبت به بتان و خدایان و طرز تفکر حاکم بر جامعه به طور آشکار بیان شده است، اما این رویکرد صرفاً نقادی نیست، بلکه همراه با توصیه، پند و اندرز، پیشنهاد و سپس اعلان کردن و اظهار داشتن در مورد خدای واحد پیش می رود. این سبک از شیوه های برخورد حضرت ابراهیم(ع) در مقابل مخاطب مخالف را می توان یک سبک تبلیغاتی دانست.

جدول ۵: پاره گفتارها و کنش های گفتاری حضرت ابراهیم(ع) در برخورد با مخالفان بر

اساس سوره انبیاء

کنش های گفتاری	پاره گفتارهای
(سؤال کردن همراه با نقد) ترغیبی	مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ (۵۲)
(نقد کردن) اظهاری	قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۵۴)
(معرفی کردن) اظهاری	قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ (۵۶)
(شرح دادن، تفسیر کردن) اظهاری	الَّذِي فَطَرَهُنَّ (۵۶)

وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ (۵۶)	(تعهد دادن، قول دادن) تعهدی
وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ (۵۷)	(قسم خوردن) تعهدی
قَالَ يَا فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ (۶۳)	(ادعا کردن) اظهاری
هَذَا فَسْتَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطَفُونَ (۶۳)	(درخواست اثبات کردن) ترغیبی
قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئاً وَ لَا يَضُرُّكُمْ (۶۶)	(سؤال کردن و توضیح خواستن) ترغیبی
أَفِ لَكُمْ (۶۷)	(خشمگین شدن) عاطفی
وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (۶۷)	(اخطار دادن) ترغیبی
أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۶۷)	(هشدار دادن، سؤال کردن) ترغیبی

در سوره انبیاء هر چند شیوه تبلیغی و برخورد در قالب پاره گفتارهای اظهاری و ترغیبی محفوظ است، اما از پاره گفتارهای تعهدی نیز استفاده شده است. در واقع ابتدا در مسیر نقادی و هشدار و سپس بیان ویژگیهای الله پیش رفته و برای اطمینان خاطر مخاطب، در مقابل وی التزام و تعهد به وعده‌ای که داده را نشان می‌دهد. پاره گفتارهای «وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ»، «وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ»، تعهد و ضمانت اجرایی از طرف حضرت ابراهیم (ع) با دوری گزیدن از بتان و روی آوردن به خداوند یکتا را بیان می‌دارد. در این پاره گفتارها با استفاده از واژه «الشَّاهِدِينَ» و معرفی خود به عنوان شاهد و «تَاللَّهِ» نه تنها قصد و نیت خود را در برخورد با بتان بیان داشته، بلکه با اطمینان از درک حقیقت، التزام و تعهد به مخاطب در برابر وعده‌ای که داده را نشان داده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۷۳). این واژه‌ها برای موکد کردن قول (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۱۵۳) و دال بر مشاهده چیزی است که بر آن اطمینان حاصل شده (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۵۷) گفته شده است.

جدول ۶: پاره‌گفتارها و کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم(ع) در برخورد با مخالفان بر

اساس سوره شعرا

کنش‌های گفتاری	پاره‌گفتارهای
(سؤال کردن و توضیح خواستن) ترغیبی	إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ (۷۰)
(سؤال کردن و توضیح خواستن) ترغیبی	قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ (۷۲)
(سؤال کردن و توضیح خواستن) ترغیبی	أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ (۷۳)
(سؤال کردن و توضیح خواستن) ترغیبی	قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (۷۵)
(سؤال کردن و توضیح خواستن) ترغیبی	أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ (۷۶)
(پاسخ دادن) اظهار کردن	فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ (۷۷)
(شرح دادن) اظهاری	الَّذِي خَلَقَنِي (۷۸)
(شرح دادن) اظهاری	فَهُوَ يَهْدِينِ (۷۸)
(شرح دادن) اظهاری	وَ الَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي (۷۹)
(شرح دادن) اظهار کردن	وَ يَسْقِينِ (۷۹)
(شرح دادن) اظهاری	وَ إِذَا مَرِضْتُ (۸۰)
(شرح دادن) اظهاری	فَهُوَ يَشْفِينِ (۸۰)
(شرح دادن) اظهاری	وَ الَّذِي يُبْرِئُنِي (۸۱)
(شرح دادن) اظهاری	ثُمَّ يُخَيِّبُنِي (۸۱)
(شرح دادن) اظهار کردن	وَ الَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ (۸۲)

در این سوره نیز همچنان حضرت ابراهیم(ع) با ذهن مخاطب درگیر است و با پرسش‌های مکرر سعی در غفلت زدایی و آگاهی بخشی دارد. سوال‌های مکرری که در مورد ویژگی‌های بتان و خدایان صورت گرفته با دو سؤال مهم در پاره‌گفتارهای «قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ» و «أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ» همراه است.

در این پاره گفتارها از واژه‌های «يَسْمَعُونَكُمْ»، «يَنْفَعُونَكُمْ» و «يَضُرُّونَ» استفاده کرده که در آن خنثی بودن و بی خاصیت بودن خدایان را نشان داده است. در قسم دیگر از پاره گفتارهای «الَّذِي خَلَقَنِي»، «فَهُوَ يَهْدِينِ» به عنوان پاره گفتار اظهاری جهت معرفی خدای واحد استفاده کرده که دو ویژگی خالقیت و هدایت‌گری او را بیان نموده است. وقتی که حضرت ابراهیم (ع) به مجادله با مخاطب مخالف پرداخته و درگیری فکری با او پیدا می‌کند، از پاره گفتارهای ترغیبی بیشترین استفاده نموده است، اما وقتی قصد معرفی الله و شرح و توضیح درباره او دارد از پاره گفتارهای اظهاری بیشترین بهره را برده است.

جدول ۷: پاره گفتارها و کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم (ع) در برخورد با مخالفان بر اساس سوره زخرف

کنش‌های گفتاری	پاره گفتارهای
(اعلان کردن) اظهاری	وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ لَآبِيهِ وَ قَوْمِهِ اِنِّي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ (۲۶)
(محدود کردن) اظهاری	اِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي (۲۷)
(معرفی کردن) اظهاری	فَاِنَّهُ سَيَهْدِينِ (۲۷)

در این پاره گفتارها با اعلام برائت از خدایان دو ویژگی مهم خدای بکتا در خلقت سرشت انسان و هدایت او را بیان نموده است. سه واژه مهمی که در ارتباط با همدیگر در این پاره گفتارها نظم معنایی ایجاد می‌کنند «بَرَاءٌ» «فَطَرَنِي» و «سَيَهْدِينِ» است. حضرت ابراهیم (ع) با استفاده از واژه برائت خدایان موجود در گفتمان غالب جامعه را بی‌اعتبار کرده و سپس با الاستثناء خداوند که آفریننده و هدایت‌گر است را تنها شایسته پرستش دانسته است.

جدول ۸: پاره‌گفتارها و کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم(ع) در برخورد با مخالفان بر اساس سوره بقره

کنش‌های گفتاری	پاره‌گفتارهای
(معرفی کردن) اظهاری	أَمْ تَرَى إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ (إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ) (۲۵۸)
(معرفی کردن) اظهاری	قَالَ أَنَا أُحْيِي وَ أُمِيتُ (قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ) (۲۵۸)

در این آیه مخاطب مخالف حضرت ابراهیم(ع)، حاکم و شاه جامعه است که نمادی از خدا برای خلق محسوب می‌شد. پاره‌گفتارهای مورد استفاده حضرت ابراهیم(ع) در قالبی جدلی و همراه با ارائه استدلال است که در آن سعی کرده ناتوانی شاه در برابر قدرت و توانمندی خداوند را بیان دارد. به همین سبب بر دو ویژگی مهم خداوند که تسلط او بر حیات و ممات انسان است و قدرت وی بر طبیعت تاکید کرده است. در واقع این پاره‌گفتارها که به صورت اظهاری مطرح شده، قدرت مطلقه خداوند بر انسان و نظام هستی و طبیعت را نشان می‌دهد تا ضعف ادعایی قدرت حاکم نمایان شود.

جدول ۹: پاره‌گفتارها و کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم(ع) در برخورد با مخالفان بر اساس سوره مریم

کنش‌های گفتاری	پاره‌گفتارهای
(سؤال کردن و توضیح خواستن) ترغیبی	إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَ لَا يُبْصِرُ وَ لَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئاً (۴۲)
(ادعا کردن) اظهاری	يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ (۴۳)
(ضمانت کردن) تعهدی	فَاتَّبَعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطاً سَوِيًّا (۴۳)

یا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ (۴۴)	نصیحت کردن) ترغیبی
إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا (۴۴)	(شرح دادن و معرفی کردن) اظهاری
يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ (۴۵)	(اخطار و هشدار دادن) ترغیبی
فَتَكُونَنَّ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا (۴۵)	(هشدار دادن) ترغیبی
قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ (۴۷)	(سلام کردن) عاطفی
سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي (۴۷)	(اعلان کردن) اظهاری
إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا (۴۷)	(شرح دادن) اظهاری
وَأَعْتَرْتُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (۴۸)	(نفی کردن) اظهاری
وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَى (۴۸)	(اعلان کردن) اظهاری
أَلَا أَكُونُ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا (۴۸)	(اظهار کردن) اظهاری

پاره گفتارهای اظهاری، ترغیبی و عاطفی که در سوره مریم گفته شده، تفاوت اساسی با سوره‌های دیگر دارد. در این سوره چون طرف خطاب حضرت ابراهیم (ع) پدرش بوده، لحن گفته ملایم، در حالت پند و اندرز و با بعد عاطفی همراه است. تلاش و جهد حضرت ابراهیم (ع) برای هدایت پدر که حتی با پاره گفتار «فَأْتَبِعْنِي أَهْدِيكَ صِرَاطًا سَوِيًّا» نوعی تعهد و ضمانت اجرایی نیز همراه است، گفته شده است. در سوره‌های قبلی رویکرد عاطفی بسیار ضعیف بود در حالیکه در این سوره با دو پاره گفتار «سَلَامٌ عَلَيْكَ»، «سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي»، ادای احترام و وعده آمرزش خواهی در آن وجود دارد، رویکرد عاطفی به خود گرفته است.

نتیجه گیری

نوع شناسی کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم (ع) بر اساس طبقه‌بندی کنشی سرل نشان می‌دهد که از ۹۲ کنش گفتاری، بیش از پنجاه درصد به صورت اظهاری و حدود سی درصد به صورت ترغیبی بوده است. به جز کنش اعلامی که هیچ موردی برای آن یافت

نشد، بقیه کنش‌های نیز کمتر از ده درصد فراوانی داشته‌اند. جدول زیر بسامد سنجی نشان می‌دهد.

جدول ۱۰: فراوانی کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم(ع) در برخورد با مخالفان

درصد	تعداد	نوع کنش گفتاری
۵۵/۴۳۴	۵۱	کنش گفتاری اظهاری
۳۰/۴۳۴	۲۸	کنش گفتاری ترغیبی
۶/۵۲۱	۶	کنش گفتاری اظهاری - ترغیبی
۴/۳۴۷	۴	کنش گفتاری عاطفی
۳/۲۶۰	۳	کنش گفتاری تعهدی
۰	۰	کنش گفتاری اعلامی
۱۰۰	۹۲	مجموع

بیشترین استفاده حضرت ابراهیم(ع) از کنش اظهاری که تعهد و اعتقاد گوینده نسبت به صدق گزاره‌ها را بیان می‌دارد، بوده است. در این نوع کنش، حضرت ابراهیم(ع) با استفاده از براهین، استدلال عقلی و منطقی به معرفی خداوند یکتا، شرح و توضیح درباره گفتمان توحیدی، نقادی نسبت به گفتمان تعدد خدایان و... پرداخته و سعی داشته فکر و اندیشه مخاطب را در مسیر تغییر قرار دهد. این انتظار با ابعاد مهمی از آگاهی بخشی، غفلت زدایی، و وادار کردن مخاطب به تفکر و اندیشه همراه است. از طرفی دیگر، استفاده از این نوع کنش نشان می‌دهد که گوینده نه تنها به گفتمان ادعایی خود اعتقاد دارد، بلکه میزان اطمینان و اعتماد او به این گفتمان به حدی بوده که سبب شده با یقین آن را به مخاطب مخالف القاء نماید. استفاده بیش از پنجاه درصدی گوینده از این کنش، اهمیت و ضرورت ترویج و باور به توحید را در مقابل باور غالب و هژمونی تعدد خدایان در جامعه را نمایان می‌سازد.

پس از کنش اظهاری، کنش ترغیبی از بیشترین درصد برخوردار بود. استفاده گوینده از این کنش، نشانگر جایگاه معنوی اوست؛ زیرا بنابر شرایط حال از آن برای تأثیرگذاری و ترغیب مخاطب مخالف، برای جهت‌دهی فکر و اندیشه او به سمت و سوی گفتمان توحیدی و دوری گزیدن از گفتمان موجود، استفاده کرده است. در این کنش حضرت ابراهیم (ع) با استفاده از پاره‌گفتارهای متعدد، مدام به توصیه، پند و اندرز، هشدار دادن، اخطار دادن، سؤال مکرر و توضیح خواستن و... جهد فراوان نموده که مخاطب مخالف را ترغیب به تفکر و اندیشه در مورد عقاید و باورهای دینی دو گفتمان تعدد خدایان و گفتمان توحیدی نماید. هدف ایشان از این کنش گفتاری این بوده که مخاطب بدون هیچ تحمیلی خود به ضعف باور دینی تعدد خدایان و قوت باور به گفتمان توحیدی برسد و از این طریق به طرد گفتمان موجود و گرایش به سمت گفتمان توحیدی قدم بردارد.

در واقع در هیچ کدام از پاره‌گفتارهای کنشی حضرت ابراهیم (ع) نمود و نشانی از جنبه تحمیل وجود ندارد، بلکه بیشترین همت ایشان برای ایجاد شرایط و زمینه مناسب جهت فکر کردن و به‌کارگیری قوه عاقله مخاطب برای پیدا کردن مسیر درست و صحیح بوده است که با استفاده از کنش‌های اظهاری و ترغیبی تلاش داشته به چنین هدفی دست یابد.

منابع

۱. **قرآن کریم**. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۵)، **تحلیل گفتمان ائمه قادی**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. ابن خلدون، (۱۴۰۸)، **تاریخ ابن خلدون**، تحقیق خلیل شحاده، بیروت: انتشارات دار الفکر.
۴. ابن کثیر، (۱۴۰۷)، **البدایه و النهایه**، بیروت: دار الفکر.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، **لسان العرب**، بیروت: دارصادر.
۶. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵)، **فرهنگ ابجدی**، ترجمه رضا مهیار، تهران: راه حق.

۷. بی آزار شیرازی، عبد الکریم، (۱۳۸۰)، **باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. پهلوان نژاد، محمد رضا؛ اصطهباناتی (۱۳۸۷)، «بررسی کنش های گفتار در سخنرانی های روسای جمهور ایران و آمریکا شهریور ۱۳۸۵ سازمان ملل»، **پژوهش های زبان خارجی**، دانشگاه تبریز: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۵۱.
۹. جان ناس، (۱۳۵۴)، **تاریخ جامع ادیان**، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات پیروز.
۱۰. جبری، سوسن؛ جعفری مریم، (۱۳۹۵)، «بازتاب شرایط اجتماعی در تحلیل کنش های گفتاری تفسیر عرفانی کشف الاسرار»، **فصلنامه زبان و ادب فارسی**، شماره ۲۳۳.
۱۱. جلالی، مریم؛ صادقی، معصومه (۱۳۹۵)، «کنش های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و طبقه اجتماعی در گرشاب نامه»، **جامعه شناسی تاریخی**، دوره ۸، شماره ۱.
۱۲. دینوری، احمد بن داود (۱۳۶۸)، **الأخبار الطوال**، تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، قم: منشورات الرضی.
۱۳. رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸)، **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۴. رجب زاده، مهدی و دیگران (۱۳۸۹)، «تحلیل متن شناسی زیارت نامه حضرت امام رضا علیه السلام بر پایه نظریه کنش گفتار»، **فصلنامه تخصصی معرفت شناسی**، شماره ۴۳.
۱۵. زبیدی، سید مرتضی، (۱۴۱۴)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت: دارالفکر.
۱۶. ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۰)، «هستی شناسی معنا»، **معرفت فلسفی**، سال نهم، شماره ۳۴.
۱۷. سارتون، جورج (۱۳۴۶)، **تاریخ علوم**، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۸. سید رضا، ملیحه سادات (۱۳۸۱)، «واکنش های متقابل در مقابل دعوت حضرت ابراهیم(ع)»، **مجله معرفت**، شماره ۵۷.
۱۹. صانعی پور، محمدرضا (۱۳۹۰)، **مبانی تحلیلی کارگفتی در قرآن کریم**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۲۰. صعیدی، عبدالفتاح؛ حسین یوسف، موسی (۱۴۱۰)، **الافصاح فی فقه اللغة**، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۲۱. صفوی، کوروش (۱۳۸۳)، **درآمدی بر معنی شناسی**، تهران: انتشارات سوره مهر.
۲۲. صفوی، کوروش (۱۳۸۲)، **معنی شناسی کاربردی**، تهران: همشهری.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین (بی تا)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۵. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷)، **تاریخ الأمم و الملوک**، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
۲۶. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲)، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار المعرفه.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، **تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. فضائلی، مریم؛ نگارش، محمد (۱۳۹۰)، «تحلیل خطبه پنجاه و یکم بر اساس تقسیم بندی سرل از کنش‌های گفتار»، **علوم قرآن و حدیث**، شماره ۸۶.
۳۰. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸)، **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۳۱. گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸)، **بیان السعاده فی مقامات العباده**، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۲. گیرشمن، رومن (۱۳۸۰)، **ایران از آغاز تا اسلام**، ترجمه محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۳. محلی، جلال الدین؛ سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۶ق)، **تفسیر الجلالین**، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
۳۴. مسعودی، علی بن الحسین (بی تا)، **التنبیه و الإشراف**، تصحیح عبد الله اسماعیل الصاوی، القاهرة: دار الصاوی.

۳۵. مشکور، محمد جواد (۱۳۷۷)، *خلاصه ادیان در تاریخ دین های بزرگ*، تهران: انتشارات شرق.
۳۶. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت: دار الکتب العلمیه، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۳۷. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴)، *تفسیر الکاشف*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۸. مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا)، *البدء و التاریخ*، بور سعید: مکتبه الثقافه الدینیه.
۳۹. مؤلف مجهول، (بی تا)، *مجمعل التواریح و القصص*، تحقیق ملک الشعراء بهار، تهران: کلاله خاور.
۴۰. میدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، *کشف الأسرار و عمده الأبوار*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۴۱. یاری، امین (۱۳۸۳)، «شیوه استدلال و نحوه برخورد حضرت ابراهیم(ع) با مشرکان و بت پرستان با استناد به آیات قرآن»، *و شد آموزش قرآن*، شماره ۵.
۴۲. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا)، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر.
43. Searle .j.R. (2010), *Speech Acts, An essay in the philosophy of language*, Cambridge University press.
44. Acheoah, john Emike, (2017), "Searle s speech act theory: An integrative Appraisal", *American research journal of English and literature*, volume 2.

Bibliography:

1. The Holy Quran.
2. Abu al-Futūḥ Rāzī Ḥ. Rawḍ al-Jinān wa Rawḥ al-Janān fī Tafsīr al-Qur'ān. Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Quds Raḍawī; 1408 AH.
3. Acheoah, John Emike, "Searle's speech act theory: An integrative Appraisal", American research journal of English and literature, volume 2017.
4. Agha Golzadeh F. Critical Discourse Analysis. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 2006.
5. Biazar Shirazi A. Archeology and Historical Geography of Qur'anic Stories. Tehran: Islamic Culture Contributing Office; 2001.
6. Bustani FA. Abjad Glossary. Translated by Reza Mahyar. Tehran; 1996.
7. Diniwarī Abd. Al-Akḥbār Al-Ṭiwāl. Researched by Abdul al-Mun'im 'Āmir. Qom: Al-Radi Publications; 1989.
8. Fakhr al-Dīn Rāzī Mb'U. Mafāṭīḥ al-Ghayb. 3rd p. Beirut: Dār 'Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī; 1420 Ah.
9. Fazaeli M. and Negaresh M. Analysis of the Fifty First Sermon Based on Serel's Division of Speech Actions. Quranic and Hadith Sciences 2011, 86.
10. Girshman R. Iran from the Beginning to Islam. Translated by Mohammad Moeen. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 2001.
11. Ibn Kathir I'U. Al-Bidāya wa-Nihāya. Beirut: Dar al-Fikr; 1407 AH.
12. Ibn Khaldūn, 'ARbM. al-Tārīkh. Research: Khalīl Shahhādah. Beirut: Dār al-Fīkr; 1408 AH.
13. Ibn Manẓūr MbM. Lisān al-'Arab. 3rd ed. Beirut: Dar al-Sādir; 1414 AH.
14. Jabri S and Jafari M. Reflection of Social Conditions in the Analysis of Verbal Actions of Mystical Interpretation of Kashf al-Asrār. Quarterly Journal of Persian Language and Literature 2016, 233.
15. Jalali M and Sadeghi M. Speech Actions and Its Relationship with Gender and Social Class in Garshabnameh. Historical Sociology 2016 8 (1).
16. Jan Nas. Comprehensive History of Religions. Translated by: Ali Asghar Hekmat. Tehran: Pirooz; 1975.
17. Mashadi MbM. Tafsīr Kanz al-Daqā'iq wa Baḥr al-Gharā'ib. Tehran: Ministry of Islamic Culture & Guidance; 1989.
18. Masoudī AbH. Al-Tanbīh wal-Ishrāf. Corrected by Abdullah Ismail Al-Sāwī. Cairo: Dar Al-Sāwī.
19. Meibudī RDAbAS. Kashf al-Asrār wa 'Uddat al-'Abrār. Tehran: Amir Kabir Publications; 1371 HS.

20. Mughniyah MJ. Al-Tafsīr al-Kāshif. Qom: Dar al-Kutub al-Islāmi; 1424 AH.
21. Muqaddasī MbT. Al-Bad' wal-Ta'rīkh. Researched by: Bur Saeed. Np: Maktabat al-Thiqāfiyah al-Dinīyah.
22. Mushkooor MJ. Summary of Religions in the History of Great Religions. Tehran: Shargh Publications; 1998.
23. Mustafawī. H. Al-Tahqīq fī Kalamāt al-Qur'an al-Karīm. Beirut: dar al-Kutub al-'Ilmiyah; 1430 Ah.
24. Pahlavannezhad MR. Estahbanati. A review of Speech Actions in the Speeches of the Presidents of Iran and the United States in September 2006 at the United Nations. Foreign Language Researches, Faculty of Literature and Humanities of University of Tabriz 2008, 51.
25. Qonabadi SM. The Commentary of Bayān Al-Sa'āda Fī Maqāmāt al-'Ibādah. Beirut: Al-A'lami Foundation for Publications; 1988.
26. Rajabzadeh M. et all. Textual Analysis of the Manual for the Pilgrimage of Imam Reza (AS) Based on the Theory of Speech Action. Quarterly Journal of Epistemology 2010, 43.
27. Saeedi A. and Hussein Yusuf M. Al-'Ifṣāh fī Fiqh al-Lughah. Qom: Maktab al-'Alām al-Islamī; 1990.
28. Saeedi A. Ontology of Meaning. Philosophical Knowledge 2011, 9(34).
29. Safavid K. An Introduction to Semantics. Tehran: Sureh Mehr Publications; 2004.
30. Safavid K. Applied Semantics. Tehran: Hamshahri; 2003.
31. Saneipour MR. Analytical Principles of Speech Work in the Holy Qur'an. Tehran: Imam Sadegh University; 2011.
32. Sarton G. History of Sciences. Translate by Ahmad Aram. Tehran: Amir Kabir Publications; 1967.
33. Seyed Reza MS. Mutual Reactions to the Invitation of Prophet Ibrahim (AS). Ma'rifat 2002, 57.
34. Suyūṭī J'. Al-Itqān fī 'Ulūm al-Qur'an. Researched: Saeed al-Mandūb. Beirut: Dar al-fikr; 1416 AH.
35. Ṭabarī MbJ. Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'an. Beirut: Dār al-Ma'rifah; 1412 AH.
36. Ṭabarī MbJ. Tā'rīkh al-'Umam wal-Mulūk (Tā'rīkh al-Ṭabarī). Beirut: Dar al-Turāth; 2010.
37. Ṭabarī MDj. Tārīkh al-Ṭabarī. Beirut: Dār al-Turāth; 2008.
38. Ṭabātabāeī MH. Al-Mīzān fī Tafsīr Al-Qur'ān. Qom: Islamic Publications of Teachers' Society of Islamic Seminary; nd.
39. Ṭabrisī FbḤ. Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'an. 3rd p. Tehran: Naser Khosrow; 1993.
40. Ṭūsī MbḤ. Al-Tibyān fī Tafsīr al-Quran. Beirut: Dār 'Ihyā' al-Turāth al-'Arabī; nd.

41. Yari A. The Method of Augmenting and How Ibrahim (AS) Confronted with the Polytheists and Idolaters Based on the Qur'anic Verses. Roshde Amouzesh 2004. 5.
42. Yu'qūbī AbAY. Ta'rīkh al-Ya'qūbī. Beirut: Dar al-Sadir; nd.
43. Zubaydī MM. Tāj al-'Arūs. Beirut: Dār al-Fikr; 1414 AH.

